

دکتر علی قائمی

تزیین در نهج البلاغه

اهداف در آمادگی‌ها

مقدمه

زندگی همه‌گانه بر آدمی یکسان نمی‌گذرد. گاهی در سلامت است و زمانی در بیماری، گاهی در غم و اندوه است و زمانی در شادی و سرور، و سرانجام گاهی در شرایط ظفرمندی است و زمانی در شکست و سقوط. مهم این است در روزی که جهان به کام ما می‌گردد بدمستی نکنیم و آن روز که با دشواری و سختی مواجه می‌شویم، مقاومت را از دست ندهیم ... **فَإِذَا كَانَ لَكَ الْبَطْرُ، وَإِذَا كَانَ عَلَيْكَ فَاضِيرٌ**!

مواضع لازم

آری، این مهم است که آدمی در شرایط گوناگون مواضع نیکویی اتخاذ کند و اصل وظیفه را که بنیان زندگی است از یاد نبرد. در این زمینه به ارشادات امام عنایت کنیم:

۱- در شرایط کلی زندگی: امام در ضمن

خیراندیشی و موعظه فرمود:

لَا تَكُنْ مِنْ... إِنْ سَقَمَ ظِلٌّ نَادِمًا، وَإِنْ صَحَّ آمِينَ

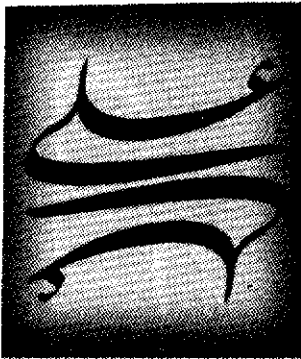
وَلْيَكُنْ هَمُّكَ فِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ. ^۸

در حین گرفتاری‌ها و هجوم بدبختی‌ها نباید سست و ناتوان بود و از خود بی‌حالی نشان داد: وَ لَا عِنْدَ النَّاسِاءِ فِشْلًا. ^۹ و در نهایت آدمی نباید مانند کسی باشد که اگر به چیزی دست یافت سیری‌ناپذیر باشد و اگر چیزی را از وی باز داشته‌اند ناراضی و بدون قناعت باشد: لَا تَكُنْ مِثْلَ... إِنَّ أُعْطِيَ مِنْهَا لَمْ يَشْبَعْ، وَإِنْ مِثْعَ مِنْهَا لَمْ يَفْتَحْ. ^{۱۰} تأسف و اندوه آدمی باید در این باشد که برای سرای دیگر خود پس از مرگ چه کرده است: وَلْيَكُنْ... وَ أَسْفَكَ عَلَى مَا خَلَّفْتَ، وَ هَمُّكَ فِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ. ^{۱۱}

در عرصه فرصت‌ها

در جریان زندگی و در گذران آن گاهی نسیم‌های ملایمی وزیدن می‌گیرد و آدمی باید خود را در معرض آن قرار داده، از فرصت‌ها استفاده کند. آدمی نباید فراموش کند:

- وَالْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ، فَاتَّهَرُوا فُرْصَ الْخَيْرِ. ^{۱۲} فرصت‌ها همانند ابرها کند می‌آیند و از میان می‌روند. از فرصت‌های نیکو باید بهره گرفت. هم چنین توصیه این است که سریعاً از فرصت بهره گیرند پیش از آن که از دست برود و



لاهیماً. همچون کسی مباش که در بستر بیماری از رفتار بد خویش پشیمان می‌شود، اما تا از بیماری رهید و به بهبودی رسید به بهبودگی می‌گراید.

- يُعْجِبُ بِنَفْسِهِ إِذَا عُوْفَى، وَ يَقْتَضُ إِذَا ائْتَلَى، در عاقبت، به خودشگفتی دچار آید و به گاه گرفتاری با نومیذی خود را بیازد.

- إِنَّ أَصَابَهُ بَلَاءٌ دَعَا مُضْطَرًّا، وَ إِنَّ نَالَهُ رَخَاءٌ أَعْرَضَ مُتَمَتِّرًا. ^۲ در رویارویی با سختی‌ها و دشواری‌ها به ناگزیر دست به دعا بردارد، اما چون آسودگی یافت، رخ برتابد.

۲- در شادی و سرور: در گذران زندگی گاهی

آدمی به لذت و سروری دست می‌یابد. در چنان صورت زیاد بدان دل میندد و شادمان باشد که معلوم نیست آن شادمانی با دوام باشد. وَ مَا نِلْتُمْ مِنْ دُنْيَاكَ فَلَا تَكْنِزُ بِهٖ فَرَحًا. ^۳ و اگر نعمت و خیری بدو رسید سرمستی او را دست ندهد که آن را نیز چنان سرنوشتی است: وَ لَا تَكُنْ عِنْدَ النَّعْمَاءِ يَطْرَأًا. ^۴ حتی اگر روزگار موجب خنده و نشاط او را فراهم آورد آوایش را به خنده بلند نکند: إِنَّ صَاحِبَ لَمْ يَغْلُ صَوْتُهُ. ^۵

آدمی باید بکوشد شرایط رفتاری خود را در جهت تأمین سرور و شادمانی برای سرای آخرت سوق دهد که نیازش به آن گونه سرور و شادمانی بیش تر است: فَلْيَكُنْ سُورُوكَ بِمَا نِلْتُمْ مِنْ آخِرَتِكُمْ. ^۶ امام در سختی دیگر فرمود: شادمانی تو در این امر باید باشد که چیزی را برای سرای آخرت فرستاده‌ای: وَلْيَكُنْ سُورُوكَ بِمَا قَدَّمْتَ. ^۷

۳- در اندوه و تأسف: آری، در مواردی ممکن

است برای آدمی غم و اندوهی پدید آید. در چنان صورت نباید غم و اندوهی از خود بروز دهد و ناله سر دهد: وَ مَا فَاتَكَ مِنْهَا فَلَا تَأْسَ عَلَيْهِ جَزَاءً،

باتوشه شایسته‌ای که تهیه کرده‌اید به سوی مقصد روان شوید. در این مسیر آنچه مهم است این است که عزم را جزم کنید، یا به تعبیر امام علی کمرها را محکم ببندید: **فَشُدُّوا عَقْدَ الْمَارِزِ**. شکم‌ها را از فضول طعام تهی دارید: **وَأَطْوُوا فُضُولَ الْخَوَاصِرِ**. و بدانید که عزم استوار با شکم چرانی فراهم نیاید: **وَلَا تَجْتَمِعُ عَزِيمَةٌ وَوَلِيمَةٌ**.^{۱۶}

ضرورت‌های سفر

اما برای به سلامت رسیدن به مقصد ضرورت‌ها و نکاتی را باید مدنظر داشت که اهم آن‌ها بدین قرارند:



۱- **تصفیه خود:** در مقصد آن چه از ما می‌طلبند صداقت و اخلاص و دوری از هوس‌های شدید و اندیشناکی خاطر برای امور دنیاست. امام علی علیه السلام در وصف بندگان محبوب خدا فرماید: **قَدْ خَلَعَ سَرَابِيلَ الشُّهُوتِ**. لباس شهوت‌ها و تمایلات شدید را از تن به در آورده، **وَتَخَلَّى مِنَ الْهُمُومِ إِلَّا هَمًّا وَاحِدًا أَنْفَرَدَ بِهِ**.^{۱۷} و خود را از همه عوامل اندیشناکی خاطر دور داشته، جز یک منظور (که همان مسئله معاد اوست) و تنها با آن زندگی را سپری می‌کند.

۲- **دوری از غفلت:** در این سرای برای کسب آمادگی‌های لازم، ضروری است آدمی خود را از عوامل غفلت دور دارد و نیک بداند که مرگ از آدمی غافل نیست. سفارش امام این است: **وَأَوْصِيكُمْ بِذِكْرِ الْمَوْتِ وَإِفْلَاقِ الْفَلَاقَةِ عَنِّي**. شما را به یادآوری مرگ و کاستن غفلت سفارش می‌کنم. **وَكَيْفَ غَفَلْتُمْ عَمَّا لَيْسَ يُغْفَلُكُمْ**. و چگونه می‌توان از چیزی غافل بود که او از شما غافل نیست. **وَ طَمَعْتُمْ فِيمَنْ لَيْسَ يُمَهِّلُكُمْ؟**^{۱۸} و چگونه می‌توان به

موجب غصه‌ای شود: **بَادِرِ الْقُرْصَةَ قَبْلَ أَنْ تَكُونَ غُصَّةً**.^{۱۳} و پیش از این که راه گلو بسته شود و شما را با زور و فشار به سوی آخرت برند، تسلیم راه خدا شوید و از او فرمان ببرید: **وَتَتَسَّسُوا قَبْلَ ضَبْقِ الْخِنَاقِ وَانْقَادُوا قَبْلَ غَنْبِ السِّيَاقِ**.^{۱۴}

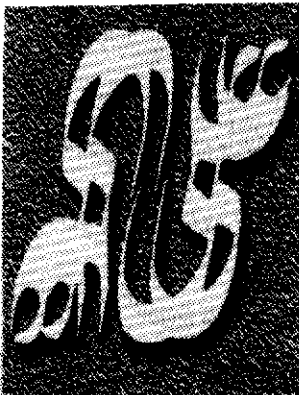
آمادگی برای سفر

آدمی را در جریان زندگی تا رسیدن به مقصد راهی دراز در پیش است و در طی زندگی در این دنیا باید وسایل و ابزار حیات در آن سرای را فراهم آورد. حال آدمی حال مسافری است که برای طی طریق در مسیری بس طولانی باید اسباب و لوازم سفر را مهیا ساخته، آماده ورود به مقصد باشد. در این زمینه امام را سفارشی است: **تَجَهَّزُوا - وَرَحِمَكُمُ اللَّهُ - خدای شما را رحمت کند خود را مجهز کنید. فَقَدْ نُودِيَ فِيكُمْ بِالرُّحِيلِ**. شما را برای کوچ کردن ندا کرده‌اند. **وَأَقْبَلُوا الرُّجْعَةَ عَلَيَّ الدُّنْيَا**. طول مدت بقای خود را در دنیا اندک بدانید. **وَأَقْبَلُوا بِصَالِحٍ مَا يَحْضُرُ تَكْتُمُ مِنَ الزَّادِ**.^{۱۵}

آسوده است می تواند خواستار آن باشد و در غیر این صورت چنین تمنایی خطاست: **وَلَا تَمَنَّ الْمَوْتَ إِلَّا بِشَرْطٍ وَثِيقٍ.**^{۲۲}

۵- غلبه بر ترس از مرگ: چه بسیار از آدمیان که به خاطر ترس از مرگ از بسیاری از وظایف خود بازمانده اند و یا هر روز چند بار از نظر روحی می میرند تا نمیرند!! امام فرماید: **وَبَادِرُوا الْمَوْتَ الَّذِي إِنَّ هَرَبْتُمْ مِنْهُ أَذْرَكَكُمْ.** بر ترس از مرگ پیشی بگیرید که اگر از آن بگریزید او شما را در می یابد. **وَ إِنْ أَقَمْتُمْ أَخَذَكُمْ.** و اگر بایستید او شما را دستگیر خواهد کرد. **وَ إِنْ نَسِيتُمْ ذَكَرَكُمْ.**^{۲۳} و اگر شما او را فراموش کنید او شما را به یاد دارد.

آری، مرگ امری همگانی و فراگیر است و بر این امر همگانی باید پیشی گرفت. مردم در پیش روی مایند ولی قیامت آنان را از پشت سر به سوی خود می راند. **بَادِرُوا أَمْرَ الْعَامَةِ... وَإِنَّ السَّاعَةَ تَخْذُوكُمْ مِنْ خَلْفِكُمْ.**^{۲۴} اصولاً مردم در خط مرگند و انقطاع از آرزویشان نزدیک است و مرگ آنان را در می یابد و باب توبه بر رویشان بسته خواهد شد و آدمی ناگهان شبی را به روز می آورد که خواهد دید همانند کسانی است که آرزوی بازگشت به دنیا را دارند. **فَبَادِرُوا الْعَمَادَ... فَقَدْ أَصْبَحْتُمْ فِي مِثْلِ مَا سَأَلَ إِلَيْهِ الرَّجْمَةُ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ.**^{۲۵}



چیزی طمع بست که او برای شما مهلتی قائل نیست.

۳- فرزندی آخرت: سفارش این است که آدمی خود را وابسته به آخرت جاوید کند، نه سرای فانی دنیا، و این وابستگی باید در حدی باشد که امام امیرالمؤمنین آن را فرزندی آخرت معرفی کرده است. سفارش امام این است: **وَلْيَكُنْ مِنْ أَبْنَاءِ الْآخِرَةِ.** آدمی را سزااست که از فرزندان آخرت باشد. **فَأِنَّهُ مِنْهَا قَدِيمٌ وَإِلَيْهَا يَنْقَلِبُ.**^{۲۶} زیرا او از آن سرای آمده و بدان سوی بر می گردد. هم چنین در توصیه دیگر می فرماید: **لَا تَكُنْ مِنْ... يَكْرَهُ الْمَوْتَ لِكَثْرَةِ ذَنْبِهِ، وَ يُعِيقُ هَلِي مَا يَكْرَهُ الْمَوْتَ لَهُ.**^{۲۷} جزو کسانی مباش که از مرگ به علت کثرت گناهانشان اکراه دارند و هم در عین حال بر انجام دادن گناهان پای می فشرند که باعث کراهت و نفرت آن ها از مرگ شده است.

۴- آمادگی کوچ: باید آماده سفر شد زیرا تعقیب مرگ دائمی و سایه آن بر سر آدمی همیشگی است. فریاد دعوت مرگ گوش ها را متوجه کرده و باید به هوش بود. امام فرماید: **وَ تَرَحَّلُوا فَقَدْ جَدِبَكُمْ.** آماده باشید که برای کوچاندن شما شتاب دارند. **وَ اسْتَعِدُّوا لِلْمَوْتِ فَقَدْ أَظْلَكَكُمْ.** و برای مرگ آماده باشید که شما را تحت سایه خود قرار داده است. **وَ كُونُوا قَوْمًا صَبِيحَ بِهِمْ فَاثْتَبَهُوا.** و چون گروهی باشید که چون بانگ برایشان زده شد، آگاه و بیدار شدند. **وَ عَلِمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ لَهُمْ بِدَارٍ فَاسْتَبَدُّوا.**^{۲۸} و دانستند که دنیا جای اقامت ایشان نیست و آن را به آخرت تبدیل کردند.

در عین حال این خطاست که آدمی در تنگناها تمنای مرگ کند. آری، اگر کسی اطمینان و اعتماد به بهشتی بودن خود دارد و خاطرش از این بابت

رمز سعادت

رمز سعادت آدمی در آن است که دائماً به یاد معاد باشد، برای روز حساب کار کند و به میزان کفاف قناعت ورزد و از خدای راضی باشد. طُوبَى لِمَنْ ذَكَرَ الْمَعَادَ... وَ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ. ^{۲۶} هم چنین فرماید: طُوبَى لِلرَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاعِبِينَ فِي الْآخِرَةِ... ثُمَّ قَرَضُوا الدُّنْيَا قَرْضًا مِنْهَاجِ الْمَسِيحِ. ^{۲۷} خوشا به حال آنان که به دنیا زهد ورزیده‌اند و به آخرت گرایش دارند. همان‌ها که زمین را تخت و خاک را بستر، آب را عطر، قرآن را آستر و دعا را رویه شخصیت خود ساختند و چونان مسیح رشته وابستگی‌ها را بریدند.

و سرانجام از رمزهای خوشبختی انسان و عظم‌پذیری است و آدمی برای سعادت خود باید پذیرای موعظه باشد: وَ لَا تَكُونَنَّ مِمَّنْ لَا تَنْفَعُهُ الْمَوْعِظَةُ إِذَا بِالغَتَّ فِي إِيْلَابِهِ. ^{۲۸}

در پرهیزهای لازم

در جریان زندگی سعادت‌مندانه باید از پاره‌ای از امور پرهیز داشت که برخی از آن‌ها بدین قرارند:

- عدم تأسف برای چیزی که از دست رفت. وَ لَا تَأْسَفَا عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا زَوْيَ عَنكُمَا. ^{۲۹}
- وَ لَا تُخَاطِرْ بِشَيْءٍ وَ رَجَاءَ أَكْثَرِ مَنَّهُ. ^{۳۰} هیچ‌گاه به آرزوی دست‌یابی به چیزی بیش از حد توان، خود را به مخاطره مینگن.

- اگر بنای زاری برای امری است، در موردی باشد که تو را به دست نرسیده و تو فاقد آنی: إِنْ جَزَعْتَ عَلَى مَا تَقَلَّتْ مِنْ يَدَيْكَ فَاجْزَعْ عَلَى كُلِّ مَا لَمْ يَصِلْ إِلَيْكَ. ^{۳۱}

- فَكَلِّبُوا الْأَمَلَ فَإِنَّهُ غَرُورٌ، وَ صَاحِبُهُ مَفْرُورٌ. ^{۳۲} آرزوهای بیهوده را رها کنید، زیرا آرزو فریب دهنده است و دارنده آن فریب خورده.

- و ما فاتك منها (الدنيا) فلا تأس عليهِ جَزَعًا. ^{۳۳}

چیزی از متاع دنیا اگر تو را از دست رفت بر آن جزع و بی‌تابی مکن.

- به عاقبت و ثروت اعتماد مکن که در عین سلامت ممکن است بیماری سررسد و در عین غنا ممکن است از فقر سردآوری: لَا يَثْبُغِي لِلْعَبْدِ أَنْ يَتَّقَ بِخَصْلَتَيْنِ: الْعَاقِبَةِ، وَالْغِنَى. ^{۳۴}



- | | |
|-----------------------|----------------------|
| ۱۷- خطبه ۸۶، قسمت ۴ | بی‌نوشت‌ها: |
| ۱۸- خطبه ۲۳، قسمت ۳ | ۱- قصار ۳۹۰ |
| ۱۹- خطبه ۱۵۳، قسمت ۶ | ۲- قصار ۱۴۲ |
| ۲۰- قصار ۱۴۲، قسمت ۳ | ۳- نامه ۲۲ |
| ۲۱- خطبه ۶۳، قسمت ۲ | ۴- نامه ۳۳ |
| ۲۲- نامه ۶۹، قسمت ۳ | ۵- خطبه ۱۸۴ |
| ۲۳- قصار ۱۹۴ | ۶- نامه ۲۲ |
| ۲۴- خطبه ۱۶۶، قسمت ۵ | ۷- نامه ۶۶ |
| ۲۵- خطبه ۱۸۲، قسمت ۱۳ | ۸- نامه ۲۲ |
| ۲۶- قصار ۴۱ | ۹- نامه ۳۳ |
| ۲۷- قصار ۱۰۱ | ۱۰- قصار ۱۴۲ |
| ۲۸- نامه ۳۱، قسمت ۶۰ | ۱۱- نامه ۶۶ |
| ۲۹- نامه ۴۷ | ۱۲- قصار ۲۰ |
| ۳۰- نامه ۳۱، قسمت ۵۴ | ۱۳- نامه ۳۱، قسمت ۵۱ |
| ۳۱- همان، قسمت ۵۹ | ۱۴- خطبه ۸۹، قسمت ۶ |
| ۳۲- خطبه ۸۵ | ۱۵- خطبه ۱۹۵ |
| ۳۳- نامه ۲۲، قسمت ۲ | ۱۶- خطبه ۲۱۱، قسمت ۱ |
| ۳۴- قصار ۴۱۸ | |